

قدرت تخریب و قدرت بازدارندگی

عباس عبدي

قدرت تخریب بشر در عصر کنونی هزاران، بلکه میلیون‌ها برابر قدرت تخریب بشر در گذشته است. کافی است، سلاح‌های بشر و امکانات فنی او را مقایسه کنیم؛ از شمشیر و نیزه رسیده به بمب اتم. پس چرا بشریت نابود نشده است؟ به این علت روشن که به موازات افزایش این قدرت تخریبی، قدرت بازدارندگی و کنترل‌کنندگی و بازسازی او نیز بیشتر شده است. اگرچه انفجار بخشی از بمب‌های اتمی می‌تواند زمین و بشریت را به کلی نابود کند، ولی انسان کوشیده است که از طریق پیمان‌ها و تجهیزات نظارتی مانع از کاربرد این سلاح ویرانگر شود. اگر بشر می‌تواند با یک دستگاه ماشین ویژه قطع درخت و یک راننده، در طول روز ده‌ها و صدها درخت جنگل را قطع و جنگل را صاف کند، به موازات آن توانسته است، این فرآیند را کنترل کند و از طریق بازسازی حتی بر سطح جنگل‌ها بیفزاید. هر جا که موازنه این دو قدرت، یعنی تخریب با بازدارندگی و سازندگی از میان رفت، تمدن در آن کشور به قهقرا خواهد رفت. هم در وجوه مادی تمدن و هم در وجوه فرهنگی و معنوی و اخلاقی، تمدن با زوال مواجه خواهد شد. قدرت تخریب عموماً سخت‌افزاری و تحت‌تأثیر پیشرفت‌های فناوری است. انسان قدیم تا سه قرن پیش قدرت محدودی داشت. برای کشتن دیگران حداکثر یک شمشیر داشت و اسب، ولی امروز حاشیه‌ای‌ترین افراد هم می‌توانند ۱۱ سپتامبر را به وجود آورند، یا در متروی توکیو گاز شیمیایی منفجر کنند، یا روی هیروشیما بمب اتم بریزند یا مثل خمرهای سرخ یک ملت را به بدترین وجهی بهره‌کشی کنند و به غل و زنجیر بکشند. همین قدرت تخریب است که دریاچه آرال را به این روز سیاه انداخته است و فاجعه بوپال هند را ایجاد کرد و... که از این نمونه‌ها کم نیست. ولی قدرت بازدارندگی بشر از کجا است؟ رکن اساسی در قدرت بازدارندگی ویژگی نرم‌افزاری دارد.

اینکه بشر چگونه ساختاری را تاسیس کند که نظارت موثری بر نحوه رفتار خود و استفاده از سخت‌افزارهای پیشرفته را داشته باشد. اصولاً بشری که می‌خواهد چنین نظارتی را اعمال کند، کیست؟ آیا یک فرد است یا یک ساختار اجتماعی و سیاسی؟ به علاوه مبنای چنین تصمیمات احتمالی چیست؟

در سطح کشوری و ملی دموکراسی با همه ضعف‌هایش که گریزی از آن

